

بررسی سیر شکل گیری قانون مالیات و فرار مالیاتی

مهران بندری^۱

معصومه یوسفی شیخ رباط^۲

احسان حسن پور^۳

چکیده

مالیات قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قوانین و به وسیله اهرم‌های اداری و اجرایی دولت وصول می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی سیر شکل‌گیری قانون مالیاتی و فرار مالیاتی صورت گرفته است. تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به مالیات و فرار مالیاتی پرداخته است. برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی بهره گرفته شده است. برای تبیین پدیده‌ی فرار مالیاتی، از نظریه سرمایه اجتماعی و نظریه بروکراسی و بر استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد، مالیات یکی از منابع درآمد دولت و تکیه گاهی مطمئن برای دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بعضاً سیاسی است. پس از نفت، مالیات رده دوم درآمد دولت ایران را تشکیل می‌دهد با توجه به قیمت‌های جهانی نفت و نقش آن در تامین هزینه‌های دولت، درصد مالیات در تامین هزینه‌های دولت در سال‌های مختلف بین ۳۰ تا ۴۵ درصد در نوسان بوده است. با توجه به اینکه فرار مالیاتی از اصلی‌ترین فعالیت‌های زیرزمینی است شناخت عوامل موثر بر آن و تعیین شدت نقش فرار مالیاتی بر متغیرهای اقتصادی، ضروری است.

کلید واژه‌ها: مالیات، قانون مالیات، فرار مالیاتی

۱. کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه یزد(نوسنده مسئول)

Email:Mehran.bondori465@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه یزد Email:m.you7905@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

Email:Hasanpoorehsan73@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

هر انسانی برای ادامه زندگی احتیاجاتی دارد و برای تامین آن‌ها، نیازمند انجام هزینه‌هایی است. برخی افراد دارای منابع و درآمدی بیش از احتیاجات خود هستند که ثروتمند محسوب می‌شوند. بعضی دیگر دارای درآمدی در حدود رفع نیازهای اصلی می‌باشند و گروهی هم قادر به تامین درآمد کافی برای رفع نیازهای خود نیستند که فقیر به حساب می‌آیند. سازمان‌ها نیز برای اداره‌ی امور و انجام وظایف خود متحمل هزینه‌هایی می‌شود و تامین این هزینه‌ها مستلزم وجود منابع و درآمدی است. دولت‌ها و حکومت‌ها نیز به عنوان عالی‌ترین، بزرگترین و پیچیده‌ترین شکل سازمان یا نهاد بشری، از این قاعده مستثنی نیستند. دولت‌ها مسئولیت‌ها و وظایف گوناگونی از قبیل اداره امور جامعه، حفظ نظم و امنیت، تامین عدالت، سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی، ایجاد ثبات اقتصادی و بسیاری امور دیگر را به عهده دارند که انجام این وظایف نیازمند هزینه‌های گوناگون و گسترده است (بخشی، ۱۳۸۹: ۱۱). به جرات می‌توان گفت که عمر مالیات^۱ برابر با عمر ایجاد حکومت در تاریخ بشر است، به این معنا که همه‌ی حکومت‌ها، در هر نقطه‌ای از جهان و در هر برهه‌ای از تاریخ، در یک نکته مشترک بوده‌اند و آن هم دریافت مالیات و تامین هزینه‌های حکومت از مردم است (مدرکیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۱۴). از دیرباز در جامعه‌ها و حکومت‌ها مالیات به عنوان منبعی برای هزینه‌های دولت حاکم به روش‌های گوناگونی از مردم اخذ می‌شد و با گسترش علم سیاست و اقتصاد هر زمان ابعاد تازه‌تری می‌یافت. مالیات در گذشته بسیار دور به عنوان نوعی باج‌خواهی تلقی می‌شد که حکومت‌ها برای رفع نیازهای خود و قدرت خواهی و کشورگشایی در جنگ‌ها با زور از مردم مطالبه می‌کردند، ولی با گسترش و تشکیل حکومت‌های دموکراسی دیگر چنین نبود؛ بلکه به عنوان یک تکلیف قانونی و تصویب شده برای هزینه‌های امور زیر بنایی و ایجاد موسسات و صنایع و کارخانه‌ها و رفاه و آسایش مردم و در جهت هزینه‌های عمران و آبادی، آموزش، بهداشت و رفاه اجتماعی و جلوگیری از فاصله‌های طبقاتی از اهمیت خاصی برخوردار است که در نهایت سود آن به خود افراد کشور باز می‌گردد (لاری دشت بیاض و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۱). فعالان اقتصادی در هر جامعه‌ای با در اختیار داشتن منابع و امکاناتی مانند سرمایه انسانی، فیزیکی و یا به جهت بهره‌مندی از توانایی‌های خدادادی مانند استعداد، هوش سرشار و قدرت خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی، به طور معمول، به فعالیت‌های گوناگون اقتصادی می‌پردازند و درآمد کسب می‌کنند. این فرایند نمی‌تواند از نقش سازمان‌ها، نهادها و امکانات اجتماعی مانند جاده‌ها، پایگاه‌های اطلاعاتی و... که فعالان اقتصادی از آنها در فعالیت‌های اقتصادی خود به صورت رایگان و یا بهای نازل استفاده می‌کنند، چشم‌پوشی کرد. از اینرو، این افراد با پرداخت قسمتی از درآمد خود به دولت تحت عنوان مالیات در تامین مخارج عمومی که تصدی‌گری آن با دولت است، دولت را همراهی می‌کنند (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲).

در ایران درآمدهای مالیاتی همواره در کنار درآمد نفت عمل می‌کرده است چنانچه در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۵۲ سهم آن از کل درآمدهای عمومی دولت کم بوده و بعد از سهم مربوط به درآمد نفت قرار داشته است. بررسی انجام شده نشان می‌دهد که بودجه همواره روندی صعودی داشته است و خصوصاً از سال ۱۳۵۱ به بعد به دلیل افزایش سریع درآمدهای نفتی در طول سنوات یاد شده این روند کاملاً تند بوده است، اما رشد درآمدها با افزایش هزینه‌ها متناسب نبوده به نحوی که از سال ۱۳۵۲ تاکنون همواره با نوعی کسری بودجه روبه‌رو بوده‌ایم و هدف تعادل و توازن بودجه در بلند مدت تامین نشده است. از طرف دیگر ملاحظه می‌گردد که نظام مالیاتی کشور با مشکلاتی مواجه بوده، بدین معنی که جهت‌گیری خاصی در زمینه بهبود توزیع درآمد نداشته و با فاصله گرفتن از نقش اساسی خود در اقتصاد کشور به صورت منبع درآمد در کنار نفت بخشی از هزینه‌های دولت را تامین نموده است. سطح مالیاتی یا نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی نیز بعد از انقلاب اسلامی کاهش یافته چنانکه از ۸/۴۲ درصد در سال ۱۳۵۰ به ۳/۹۷ درصد در سال ۱۳۷۴ رسیده است (عماد زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۴).

ساختار گذشته مالیاتی در ایران به گونه‌ای شکل گرفته که درآمدهای مالیاتی سهم ناچیزی از کل درآمدهای دولت و تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد. از طرفی بخش عمده‌ی همین درآمدهای اندک مالیاتی نیز به صورت مالیات‌های غیر مستقیم بوده که مالیات بر شرکت‌های دولتی و مالیات بر حقوق هم بیشترین سهم از مالیات‌های مستقیم را تشکیل می‌داده است. بنابراین ساختار مالیاتی ایران در دهه‌های گذشته غیر عادلانه، ناکارآمد و پرهزینه بوده و نتوانسته است مشوق سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های سالم اقتصادی و تامین‌کننده هزینه‌های دولت باشد. به همین دلیل اصلاح نظام مالیاتی کشور در چند دهه گذشته همواره یکی از مسائل مهم اقتصادی در سطح کلان بوده و در تمامی برنامه‌ها و طرح‌های ساماندهی و اصلاحی کشور مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است (عزیزخانی و افشاری، ۱۳۸۴: ۳۹۶). در ایران طبق اظهار نظر مسئولین سالانه ۴۰ هزار میلیارد فرار مالیاتی^۱ داریم، یعنی کسانی که به کل از دادن مالیات پرهیز می‌کنند، نزدیک به همین مقدار اجتناب مالیاتی داریم یعنی کسانی که با استفاده از خلاءهای قانونی و زد و بند مالیات کمتری می‌پردازند. و بیشتر از همه‌ی این اعداد و رقم‌ها معوقات مالیاتی داریم که سر جمع بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد برآورد می‌شوند. اگر تمام این پول هنگفت به خزانه واریز شود و از خزانه نیز درست به سمت کارها و فعالیت‌های درست اقتصادی سودزا سرازیر شود این پول هر ساله چندین برابر خود را تولید می‌کند. پس لازم و بایسته هست که با به کارگیری به روزترین قوانین به مبارزه‌ی با انواع فرار مالیاتی پرداخت. در این تحقیق ضمن بررسی پیشینه تاریخی مالیات‌گیری، به مبانی نظری مرتبط با بحث و همچنین تعاریف مالیات و فرار مالیاتی خواهیم پرداخت و راهکارهایی برای کاهش این پدیده ارائه خواهیم داد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

منابع درآمد راه تنفس و ادامه حیات سازمان‌ها است و هیچ سازمانی بدون در اختیار داشتن منابع و درآمد کافی قادر به انجام وظایف خویش نیست و دولت‌ها نیز به عنوان گسترده‌ترین سازمان‌های دنیا امروز تابع این قاعده هستند (بخشی، ۱۳۸۹: ۱۲). در سده اخیر دامنه وظایف دولت به شکل‌های گوناگون افزایش یافته و به رغم اجرای برنامه‌های خصوصی سازی کماکان هزینه‌های دولت به مقیاس بی‌سابقه‌ای فزونی یافته و در نتیجه نیاز به منابع عظیم مالی وجود دارد. از بین این منابع، مالیات در جهان امروز نقش اصلی را ایفا می‌کند و توجه دولت به توان انسجام نظام مالیاتی بیش از پیش نمایان گشته است (لاری دشت بیاض و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۱). نخستین اهمیت برخورد و مقابله با فرار مالیاتی برای این منظور است که با فرار مالیاتی، بخشی از درآمدهای دولت تامین نمی‌شود. فرار مالیاتی سبب می‌شود که درآمدهای مورد نیاز دولت برای تامین هزینه‌های دولت تامین نگردد و در نتیجه خدماتی که دولت می‌باید آن را فراهم سازد، در حدود مورد نیاز و با کیفیت ارائه نشود (رضایی سیابیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۸). دوم: در زمانی که درآمدهای مالیاتی دولت محقق نمی‌شود، دولت برای جبران کسری بودجه خود به چاپ اسکناس و استقراض از بانک مرکزی روی می‌آورد. این نوع روش تامین مالی حجم نقدینگی در سطح کشور را افزایش داده و موجب تورم شدید و افسار گسیخته‌ای خواهد شد که می‌تواند سبب فلج شدن اقتصاد یک کشور شود (خاندانی و صامتی، ۱۳۹۶: ۶۶). سوم: اهمیت مالیات در تامین هزینه تدارک کالاهای عمومی و نقش آن در توزیع مجدد درآمد، از مباحث مورد توجه اقتصاددانان بخش عمومی است. لازمه تدارک بهینه کالاهای عمومی و بهبود درآمد توجه به تمکین از مالیات است. پرداخت مالیات یکی از عوامل رشد و توسعه جامعه است و موجب رونق اقتصادی و ارتقای شاخص‌های آن، تحقق عدالت اجتماعی، افزایش خدمات و عمران و آبادانی کشور می‌شود. با وصول مالیات عادلانه از مودیان، می‌توان بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی کشور از جمله بودجه سالانه، تورم و بیکاری را رفع و زمینه‌ی ایجاد عدالت اجتماعی از طریق توزیع درآمدها را فراهم کرد. چهارم: مالیات یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که دولت‌ها توسط آن سه هدف تخصیص منابع اقتصادی، توزیع مجدد درآمد و تامین هزینه‌های خود را پیگیری می‌نمایند. در این راستا، انتخاب پایه مالیاتی و نرخ متناسب با آن یکی از اقدامات مهم نظام مالیاتی هر کشوری می‌باشد که باید به درستی صورت پذیرد با توجه به این مطلب، اهمیت معافیت‌ها و بخشودگی‌های اعطا شده در نظام مالیاتی مشخص می‌شود و به همین دلیل است که انتخاب هدف و موارد بخشودگی یا معافیت کار بسیار پیچیده‌ای است که باید به وسیله‌ی مطالعات دقیق کارشناسی صورت پذیرد. البته بدیهی است که با تغییر در شرایط حاکم بر اقتصاد کشور موارد استثناء و معافیت نیز می‌بایست مورد بازنگری قرار گیرد. زیرا استفاده نامناسب از معافیت مالیاتی ضمن کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌تواند باعث افزایش روزه‌های فرار مالیاتی شود (نظری، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

سوالات تحقیق

۱. سیر تاریخی شکل گیری مالیات‌ها چگونه بوده است؟
۲. با بهره گیری از کدام نظریه جامعه شناسان پدیده مورد نظر تشریح و تبیین می‌شود؟
۳. مهم‌ترین دلایل فرار مالیاتی چیست؟
۴. بر اساس تقسیم بندی های موجود علم حقوق، موضوع فرار مالیاتی در کدام دسته قرار می‌گیرد؟
۵. ابعاد مسأله بودگی موضوع مورد مطالعه کدامند؟ (چرا این قانون می‌تواند و باید به عنوان یک مسأله اجتماعی مورد توجه قرار گیرد؟)
۶. این قانون (تاکنون و در آینده) چه پیامدها و آثار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به دنبال داشته و آیا سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران تا چه اندازه به این ابعاد توجه داشته‌اند؟
۷. آینده قانون مالیات‌ها و فرار مالیاتی چه خواهد شد؟

پیشینه تاریخی و پژوهشی تحقیق

مطابق کاوش‌های انجام شده، قدیمی‌ترین مقررات مالیاتی مربوط به یکی از پادشاهان سومری؛ در اواسط قرن سوم پیش از میلاد تدوین شده و پایه‌ی اخذ مالیات در امپراطوری بزرگ ایران باستان بود. با ظهور اسلام در ایران فرایند اخذ مالیات در قالب آموزه‌های شرع مقدس شکل گرفت و مالیات ستانی با مفاهیمی نظیر خمس، زکات و یا اخذ خراج از کشاورزان، هویت جدیدی یافت. آموزه‌های مالیاتی قرآن کریم و در کنار آن تبیین الزامات و آیین مالیات ستانی در منابعی همسو با قرآن (نظیر نهج البلاغه) فرایند اخذ مالیات در صدر را تسهیل نمود (بهشتی و رمضانعلی، ۱۳۹۶: ۲۴۸). در دوران کوتاه سلطنت سلسله سلاطین ایرانی که در فاصله‌ی تسلط اعراب و سلسله مغول بر ایران حکومت می‌کردند اصول مالیات‌ها و طرز اداره و وصول آن همان بود که از زمان ساسانیان در ایران متداول شده بود و اعراب هم با جزیی تفاوت از آن روش متابعت می‌کردند. در زمان مغول تعداد مالیات‌ها افزوده شد و انواع و اقسام مالیات و عوارض بر مردم تحمیل گردید. در عهد تیموریان بر فشار ماموران مالیات به مردم افزوده شد به طوری که اخذ مالیات گاه منجر به قتل عام افراد بی‌گناه که به علت بی‌نوابی از پرداخت آن سر باز می‌زدند. در دوران صفویه، افشاریه و زندیه فشار مالیات کماکان بر دوش بزرگان و دهقانان بود و انواع مالیات از مردم گرفته می‌شد. شاه عباس کبیر اصلاحاتی در امور مالیاتی انجام داد و دخل و خرج مملکت را که صورت منظمی نداشت در خزانه مرکزی متمرکز ساخت و بالنسبه رفاهیتی در زندگی کشاورزان پدید آورد. با استقرار نظام مشروطه روش‌های دیرین مالی خود را به نظام پارلمانی داد و برای وصول مالیات‌ها قوانین و نظاماتی به تصویب قوه مقننه رسید. خزانه داری کل تشکیل شد و امور جمع و خرج کشور در خزانه مرکزی متمرکز یافت. پس از روی کار آمدن رضا

شاه نظامی تازه در امور مالیاتی و کارهای مالیاتی به وجود آمد. قوانین تازه‌ای وضع شد، برای اولین بار از درآمد افراد و موسسات مالیات بر در درآمد اخذ گشت. مالیات‌های مزاحم نظیر مالیات نواقل و اغنام و احشام لغو گردید. از املاک مزروعی ممیزی به عمل آمد و برای مطالبه و وصول مالیات از صاحبان املاک اساس و مبنای صحیحی گذاشته شد. به علاوه با تصویب قانون مالیات بر ارث از صاحبان دارایی و ثروت مالیات گرفته شد (شاپوریان، ۱۳۵۰: ۱۰). پس از تصویب انواع قوانین قانون مالیات در سال‌های متمادی، بالاخره در سال ۱۳۴۲ لایحه تاسیس سازمان تشخیص مالیات به تصویب رسید و بالاخره با تصویب قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۴۵ نظام نوین مالیاتی در ایران پی‌ریزی شد و تا سال ۱۳۵۷ سه بار مورد اصلاح و تجدید نظر جامع قرار گرفت. پس از انقلاب اسلامی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵ متناسب با ساختارهای سیاسی و اجتماعی کشور تغییر و تحولات بسیاری داشت و بیشترین اصلاحات آن مربوط به سال ۱۳۶۶ است. لایحه اصلاحیه این قانون در سال ۱۳۷۶ به مجلس ارائه شد و در اواخر سال ۱۳۸۰ به تصویب رسید. با تشکیل سازمان امور مالیاتی در سال ۱۳۸۱ به استناد بند الف ماده ۵۹ قانون برنامه سوم توسعه، نقطه‌ی عطفی در نظام مالیاتی ایران به وجود آمد (صبوری دیلمی و شفیع‌ی، ۱۳۸۸: ۷۸۶).

خاندانی و صامتی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «برآورد سهم وقفه‌های جمع‌آوری و فرار مالیاتی در ایجاد شکاف مالیاتی» نشان دادند عوامل عوامل وقفه‌های جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی (بار مالیاتی، درآمد مالیات دهندگان، تورم، محدودیت‌های تجاری و نرخ بیکاری) مهم‌ترین عامل در ایجاد شکاف ناخالص مالیاتی درآمدهای دولت است.

دامن کشیده و اصغری (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی تاثیر فرار مالیاتی بر متغیرهای کلان اقتصادی و راهکارهای کاهش فرار مالیاتی در اقتصاد ایران» (با تاکید بر تاثیر فرار مالیاتی بر رشد اقتصادی ایران) نشان دادند که تورم، درآمد مالیاتی، درجه باز بودن اقتصاد بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت و معناداری دارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فرار مالیاتی نیز با یک وقفه بر رشد اقتصادی تاثیر منفی و معناداری دارد.

رضاقلی زاده و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «تحلیل فرار مالیاتی در ایران به روش شاخص چندگانه- علل چندگانه (MIMIC) نشان دادند: روند فرار مالیاتی در ایران طی سال‌های مورد بررسی به رغم نوسان‌های عمده، در مجموع افزایشی بوده، به گونه‌ای که از ۶/۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۷ به ۱۱/۳۳ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. همچنین درآمد سرانه بیشترین تاثیر را بر فرار مالیاتی و از سویی بیشترین اثر فرار مالیاتی را بر رشد تقاضای پول داشته است.

افشاپور و کارشناسان (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه فرار مالیاتی، فقر و بیکاری در استان خوزستان» نشان دادند: میزان فرار مالیاتی در ایران در حال افزایش می‌باشد. همچنین ۳۸ درصد از کل سال‌های مورد مطالعه (۱۳۸۰-۱۳۹۰) با تغییرات و افزایش میزان بیکاری و فقر علی‌رغم تمام

سخت‌گیری‌ها و قوانین جدیدی که دولت وضع کرده روبه‌رو بودیم. همچنین بین فرار مالیاتی با فقر و بیکاری رابطه معناداری وجود دارد.

نمازی و اسماعیل‌پور (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «تاثیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) بر فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی» نشان دادند: IFRS تاثیر با اهمیت منفی در جلوگیری فرار مالیاتی و با اهمیت مثبت در جلوگیری از اجتناب مالیاتی دارد. همچنین پذیرش TFRS بر افزایش قابلیت اتکاء صورت‌های مالی تاثیر مثبت و معناداری دارد. اما به عنوان یک متغیر میانجی، برای فرار مالیاتی معنادار نیست.

برنو و همکاران^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «نرخ مالیات و فرار مالیاتی یک تجربه تجربی از جنبه‌های شایع» در ایتالیا منتشر نمودند، به این نتیجه رسیدند که بین نرخ مالیاتی و فرار مالیاتی در بلند مدت رابطه معناداری وجود دارد.

لوین و وایدل^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «تخمین فرار مالیاتی و بررسی اثر نرخ‌های مالیاتی بر روی فرار مالیاتی» با استفاده از اطلاعات جریان تجاری بین کنیا و تانزانیا^۳ به مطالعه پرداختند. نتایج نشان داد که حجم فرار مالیاتی در تانزانیا در سال ۲۰۰۴ نسبت به ۲۰۰۲ افزایش یافته است و همچنین ضرایب تخمینی مدل معنادار بود، در حالی که برای کنیا این ضرایب معنی دار نبوده است.

کافکلاس و همکاران^۴ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین فرار مالیاتی و دو ابزار سیاستی موثر بر تبعیت از قوانین مالیاتی» را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد که هم فرار مالیاتی و هم رشد تولید، با سهم درآمدهای مالیاتی تخصیص داده شده به هزینه‌های نظارت در حال کاهش است.

کانتی و ملوین^۵ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «تاثیر پذیرش IFRS بر شرکت‌های ایالات متحده بر اساس تفاوت‌های ایجاد شده بین IFRS و GAAP» را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند که مالیات بر درآمد شرکت، یکی از مهم‌ترین منابع کسب درآمد دولتی است. در ایالات متحده، سود حسابداری به عنوان مبنایی در برای تعیین درآمد مشمول مالیات نیست. مالیات بر درآمد فدرال، یک سیستم جداگانه در ایالات متحده است. از آن‌رو دو سیستم جداگانه به حساب می‌آیند.

1. Bruno et al
2. Levin and Widell
3. Kenya and Tanzania
4. Kafkalas and et all
5. Kanthi and Melvin

کریانتو و لستاوی (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تاثیر IFRS در پیشگیری از فرار مالیاتی» به مطالعه پرداختند. آنها ۷۰ شرکت تولیدی در بورس اوراق بهادار اندونزی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که رفتار اجتناب از مالیات از طریق نرخ دفتری مالیات کاهش می‌یابد.

مبانی نظری تحقیق

مفهوم سرمایه اجتماعی^۲ از جمله مفاهیم مدرن است که در گفتمان علوم اجتماعی و محافل سیاسی معاصر در سطوح مختلف به کار گرفته شده است. خاستگاه آن ریشه‌ای جامعه‌شناسانه دارد و در عصر حاضر اهرمی توفیق‌آمیز و بستری مناسب برای بهره‌وری سایر سرمایه‌های انسانی و فیزیکی برای نیل به هدف موفقیت و بهبود عملکرد سازمان قلمداد می‌شود (احمدی و فیض آبادی، ۱۳۹۰: ۳۶). پوتنام^۳ سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تامین خواهد کرد (پوتنام، ۱۳۷۷: ۲۷). سرمایه اجتماعی در واقع، ابزار سنجش خط مشی اجتماعی، شکاف حکومت و مردم، روابط گروهی، سازمانی، نهادی، شبکه‌ای، سطوح و ابعاد همکاری، مشارکت فعال، پویای گروهی و بسیاری موضوعات دیگر است. سرمایه اجتماعی دربرگیرنده‌ی ویژگی‌های سازمان اجتماعی از حیث ماهیت شبکه‌ها، هنجارها و مراتب اجتماعی است. سرمایه اجتماعی را می‌توان به صورت وضعیت اعتماد عمومی در جامعه در نظر گرفت. در این حالت و بر اساس مدل انتخاب عمومی، اعتماد مردم به دولت نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان ارتکاب به فرار مالیاتی دارد. هر چه اعتماد مردم به وعده‌های دولت درباره ارائه خدمات عمومی بیشتر باشد، فرار مالیاتی کمتر خواهد بود. اما در ایران یکی از مشکلات اساسی مالیات ستانی ذهنیت منفی مردم نسبت به مقوله مالیات است. مالیات دهندگان به ماموران مالیاتی به عنوان افرادی نگاه می‌کنند که از سوی دولت مامور شده‌اند تا سرمایه‌شان را از آنان بگیرند. به یقین این نگاه منفی سابقه‌ی تاریخی دارد. هر چند این نگاه منفی ممکن است بر زبان جاری نشود، اما عقبه حافظه این جامعه این نگاه منفی را استمرار بخشیده است؛ به گونه‌ای که مالیات یک نوع زورگویی تلقی می‌شود (آقانظری، ۱۳۸۹: ۹۶). علاوه بر این، میزان اعتماد مردم به یکدیگر نیز بر فرار مالیاتی تاثیر گذار است. اگر مردم اعتقاد داشته باشند که دیگر شهروندان نیز مالیاتشان را پرداخت می‌کنند، آنان نیز با اقدام به این امر، از فرار مالیاتی پرهیز می‌کنند.

-
1. Kiryanto and Lestari
 2. Social Capital
 3. Putnam

علاقه و بر^۱ به موضوع ماهیت قدرت و اقتدار و نیز اشتغال پیگیرانه‌اش به روندهای نوین عقل‌گرایی، او را به بررسی عملکرد موسسات بزرگ در قلمرو سیاسی، اداری، اقتصادی کشانده بود. به نظر او، فعالیت‌های هماهنگ دیوان سالارانه، نشانه نمایان عصر نوین است. دستگاه‌های دیوان سالار بر پایه اصول عقلایی سازمان گرفته‌اند. ادارات یک سازمان سلسله‌مراتبی دارند و با ضوابط غیر شخصی عمل می‌کنند. مسئولان این ادارات وظایف خاص و مرزبندی شده‌ای دارند و هر یک باید در حوزه‌ی خاصی که به او اختصاص داده شده است، اعمال مدیریت کند (کوزر، ۱۳۷۹: ۳۱۵-۳۱۶). دیوان سالار شدن مستلزم سامان اداری و اجتماعی منحصر به فردی است؛ نهادهای اجتماعی بر اساس روح غیر شخصی و حرفه‌ای‌گری سازمان یافته‌اند. نهادهای دیوان سالار به اداراتی تقسیم می‌شوند که حد و مرزهای شان بر مبنای کارکرد و نقش اجتماعی خاص شان تعیین می‌شود؛ ادارات به شکل سلسله‌مراتبی تنظیم شده‌اند که در نتیجه نظام کنترل و فرمان از بالا به پایین است؛ نقش‌های مشخصی که وظایف و حیطه اختیاراتشان به وضوح معلوم شده است، به افراد محول شده‌اند. امور دیوانی بر اساس مجموعه قواعد و رویه‌های غیر شخصی انجام می‌گیرد که هدفشان ممانعت از دخالت ملاحظات و تعارضات شخصی در فعالیت‌های نهادی است. و نهایتاً این نوع دیوان سالاری نوع جدیدی از کارکنان را به وجود می‌آورد، کارکنان اداری یا یقه سفید، افرادی با مهارت‌های فنی و تخصصی که بر اساس توانایی‌هاشان استخدام شده‌اند (سیدمن، ۱۳۹۶: ۸۱).

روش تحقیق و تعریف مفاهیم

روش تحقیق به کارگرفته شده در این پژوهش توصیفی تحلیلی است، برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتاب‌خانه‌ای و اسنادی بهره گرفته شده است.

مالیات: قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قوانین و به وسیله اهرم‌های اداری و اجرای دولت وصول می‌شود و مالیات دهندگان تقریباً پذیرفته‌اند که باید سهم خود را هزینه‌های اجتماعی بپردازند (محبوبی و شهبازی، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۷).

فرار مالیاتی: هرگونه تلاش غیر قانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می‌شود. هدف اصلی در بی‌تمایلی به پرداخت مالیات، فعالیت غیرقانونی است (ضیایی بیگدلی و طهماسبی، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

ترفند (اجتناب) مالیاتی: توسل به شگردهای قانونی (یا راهکارهای قانونی) جهت پرداخت مالیات به مبلغی کمتر از مبلغ واقعی را ترفند مالیاتی می‌نامند. تهیه مدارک و مستندات با شکل قانونی یکی از رایج‌ترین ترفند‌های مالیاتی است (هشی، ۱۳۸۸: ۵۵۳). تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیر قانونی بودن رفتار مودیان مربوط می‌شود. فرار مالیاتی، یک نوع تخلف

از قانون است. وقتی که یک مودی مالیاتی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع می‌کند یک نوع عمل غیر رسمی انجام می‌دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی دور نگه می‌دارد. اما در اجتناب از مالیات، فرد نگران نیست که عمل او افشا شود. اجتناب از مالیات، از خलाهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد. در اینجا فرد به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات، خود دنبال راه‌های گریز می‌گردد. مثلاً درآمدهای نیروی کار را در قالب درآمد سرمایه نشان می‌دهد که از نرخ پایین تری برای مالیات برخوردارند. در اجتناب از مالیات، مودی مالیاتی دلیلی ندارد نگران احتمال افشا شدن باشد، چرا که او الزامات تمامی مبادلات خود را با جزئیات آن البته به شکل غیر واقعی، یادداشت و ثبت می‌کند. در واقع، عوامل اقتصادی با استفاده از روزه‌های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند تا بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. از آنجا که اجتناب از پرداخت مالیات فعالیت به ظاهر قانونی است، از این رو بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید است. به عبارت دیگر، اجتناب از مالیات، یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است (رضایی سیابیدی، ۱۳۹۶: ۱۴۶).

یافته‌ها

بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد، مهم‌ترین زمینه‌های پیدایش فرار مالیاتی در جامعه عبارتند از:

- پایین بودن فرهنگ مالیاتی: یکی از عوامل موثر در کاهش حجم وصولی مالیات، فرهنگ مالیاتی است. فرهنگ مالیاتی مجموعه‌ای از طرز تلقی، بینش و عکس العمل افراد در قبال نظام مالیاتی است. به عبارت دیگر طرز تلقی، بینش، برداشت، آرمان‌ها، ارزش‌های اجتماعی، قوانین جاری و میزان تحصیلات و آگاهی، از جمله عواملی هستند که فرهنگ مالیاتی را شکل می‌دهند.

- معافیت‌های وسیع و متنوع: بیشتر راه‌های فرار مالیاتی را دولت‌ها در سیاست‌های حمایتی مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی باز می‌کنند و در صورتی که نظام اطلاعات کارآمد نیز در نظام مالیاتی وجود نباشد؛ فرار مالیاتی گسترش می‌یابد. با اعطای معافیت‌های مالیاتی گروهی از پرداخت مالیات معاف می‌شوند و این امر به کاهش درآمد‌های مالیاتی دولت منجر می‌شود. بنابراین، اگر اعطای معافیت‌ها با دقت لازم صورت نگیرد، دولت برای کسب درآمد مالیاتی مورد نظر، فشار سنگینی را بر گروه‌های دیگر جامعه وارد می‌کند.

- فساد ماموران مالیاتی: هر گاه ماموران مالیاتی فاسد باشند یا احتمال فاسد شدن آن‌ها زیاد باشد، بدون تردید در طراحی مالیات، رهیافتی که به طور مشخص قابل تغییر و حساب سازی باشد، اهرم مهمی برای پیشبرد مقاصد ایشان به حساب می‌آید. ماموران فاسد، شیوه‌های مطلوب خویش را برای وصول هر گونه مالیات خواهند داشت. شیوه وصول چنین مامورانی باید به گونه‌ای باشد که از پیچیدگی کافی برخوردار بوده تا فرد فاسد به مدد آن و بدون دشواری خاصی، زندگی مودیان خوش حساب را تحت تاثیر قرار دهد.

-قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی: اهمیت ساده سازی نظام مالیاتی به دلیل تاثیر آن بر افزایش اثر بخشی و کارایی دستگاه مالیاتی است. قوانین پیچیده و مبهم، دشواری‌هایی برای مودیان ایجاد می‌کند و هزینه‌های تمکین را نیز افزایش می‌دهد. ساده سازی قوانین درک آن را برای مودیان بسیار آسان نموده و می‌تواند تاثیر بسزایی در کاهش فرار مالیاتی داشته باشد. بدین ترتیب که ساده سازی می‌تواند کارایی و اثر بخشی نظام مالیاتی را افزایش دهد و مودیان را وادار به تمکین کند(سید نورانی، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۸)

-نظام اطلاعاتی ضعیف: از دو دیدگاه ضیف بودن نظام اطلاعاتی را می‌توان بررسی کرد. اول اینکه اکثر مردم اطلاع کافی از قوانین و مقررات مالیاتی کشور ندارند بنابراین یکی از وظایف مدیریت مالیاتی، آگاهی رساندن به مودیان برای سهولت بیشتر کار است. آگاه بودن مردم به قوانین مالیاتی، از مشکلات آنها می‌کاهد. این از طرفی، مسئله‌ای اقتصادی است و از طرف دیگر به فرهنگ مالیاتی مربوط بوده و مسئله‌ای اجتماعی محسوب می‌شود(رضائیان، ۱۳۷۸: ۵).

-تغییرات جمعیتی(بافت جمعیتی)و اخلاقیات: تحقیقات نشان می‌دهند که میزان ارتکاب به فرار مالیاتی در مردان بیش از زنان است. همچنین با افزایش سن افراد، فرار مالیاتی افزایش ولی بعد از بازنشستگی میزان آن به شدت کاهش می‌یابد. از این رو جوانان تمایل کمتری برای فرار مالیاتی و پیر نکردن اظهار مالیاتی دارند. اخلاقیات نیز روی فرار مالیاتی نقش بسزایی دارند. اگر فرد، پایبند اخلاق باشد کمتر دچار فرار مالیاتی که نوعی فعالیت ضد اخلاقی است، خواهد شد.

-اعتماد عمومی به دولت و مردم: بر اساس مدل انتخاب عمومی، اعتماد مردم به دولت نقش تعیین کننده‌ای در میزان ارتکاب به فرار مالیاتی دارد. هر چه اعتماد مردم به وعده‌های دولت درباره ارائه خدمات عمومی بیشتر باشد، فرار مالیاتی کمتر می‌شود. اعتماد عمومی فقط در سایه دموکراسی در اصل یک رابطه تعاملی میان مردم و دولت است که تنها بر اعتماد دو طرفه بنا می‌شود(سید نورانی، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۵).

تقسیم بندی‌های علم حقوق نشان می‌دهد فرار مالیاتی در بین حقوق خصوصی و عمومی، در دسته‌ی حقوق عمومی قرار می‌گیرد.

-حقوق عمومی قواعدی است که در روابط نهادهای حکومت و ماموران آن با مردم اعمال می‌شود و همچنین قواعد مربوط به روابط نهادهای مختلف حکومت با هم و نیز قواعد مربوط به روابط دولت‌ها با هم. حقوق عمومی مجموع دو شعبه از علم حقوقی است: ۱- حقوق عمومی داخلی که شامل حقوق اساسی و حقوق اداری و جزاست. ۲- حقوق بین المللی عمومی(جعفری لنگرودی، ۱۷۳۱: ۱۳۸۱). در بحث فرار مالیاتی در یک سو دولت به عنوان بانی جمع آوری کننده مالیات قرار می‌گیرد و مودی یا مردم که در مقابل دولت هستند و دولت باید مالیات را از آن‌ها دریافت کند. پس همانگونه که حقوق عمومی به رابطه‌ی نهادها و ماموران حکومت می‌پردازد مالیات هم در این رسته قرار می‌گیرد.

فرار مالیاتی یکی از مسائل و معضلات هر سیستم اقتصادی می‌تواند باشد جامعه شناسان معمولاً در پاسخ به مساله بودگی فرارهای مالیاتی معتقدند:

مسئله‌ی اجتماعی را وضعیت اظهار شده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای آن وضعیت اقدام کرد (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۹۳: ۱۲-۱۳). پدیده‌ی فرار مالیاتی نه تنها یک مسئله بلکه در هر جامعه‌ای به مانند جامعه‌ی ما که درآمدهای نفتی پایه و اساس بودجه محسوب می‌شود به یک معضل تبدیل شده است. فرار مالیاتی مسئله‌ای است که از چند جهت می‌تواند بر اقتصاد اثرگذار باشد. نخست اینکه، توانایی دولت را در جمع‌آوری مالیات و برآوردن نیازهای بودجه‌ای کاهش می‌دهد. در واقع، فرار مالیاتی با کاهش درآمدهای مالیاتی، توزیع بار مالیاتی را تحت تاثیر قرار داده و می‌تواند از طریق محدود کردن گزینه‌های مورد انتخاب دولت، سیاست مالی را با مشکل روبه‌رو سازد. دوم اینکه، فرار مالیاتی می‌تواند یکسری تبعات منفی دیگری نیز برای اقتصاد به دنبال داشته باشد. برای مثال، تحمیل بار بر بودجه دولت، با مشکل روبه‌رو ساختن تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، توزیع ناعادلانه ثروت و تاثیر منفی بر پس انداز و انباشت بخش خصوصی همراه است. پیامدهای منفی فرار مالیاتی برای هر جامعه و نظام اقتصادی می‌تواند بی‌شمار باشد، و اقتصاد ایران نیز از پیامدهای منفی بی‌بهره نبوده است.

فرار مالیاتی در ایران سالانه بین ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیارد برآورد شده است این مقدار تنها برای کسانی است که مشخصاً از دادن مالیات شانه خالی می‌کنند و این عدد چندین برابر می‌شود هنگامی که با کسانی که از مالیات اجتناب می‌کنند یعنی با استفاده از نقاط ضعف قانون از دادن مالیات شانه خالی می‌کنند و اگر این مقدار را هم با مالیات‌های معوقه جمع کنیم چیزی برابر با ۱۲۰ هزار میلیارد می‌شود که این پول توانایی ایجاد یک اقتصاد دورن‌زا را دارد. اگر این پول در جاهایی که درست هزینه شود در سال‌های بعد این پول می‌تواند چندین برابر سوددهی کند. اقتصاددانان بارها از تمام دولت‌ها خواسته‌اند که با به روز رسانی قوانین و تغییر مداوم قانون مالیاتی جلوی این فرار مالیاتی را بگیرند. میزان معوقات و فرارهای مالیاتی در ایران نشان می‌دهد که قانون مالیاتی ایران آن چنان که در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته مشاهده می‌گردد قوی نیست. ولی خود همین قانون نه چندان قوی هم بهتر از بی قانونی است. از زمانی که قانون مالیات‌ها اجرا شد، دولت‌ها دارای دو نوع درآمد شدند یکی نفت و دیگری هم مالیات. نخستین پیامد مثبت این قانون این بود که در عرصه‌ی خدمات دولت خدمات بهتری نسبت به قبل ارائه کرد. دوم اینکه وقتی مردم دانستند که ماهیانه و سالانه بخشی از درآمدشان نصیب دولت می‌شود دیگر به راحتی نمی‌توانند تحمل کنند که مقامات دولتی از بودجه حیف و میل کنند و برای خود زندگی اشرافی داشته باشند. سوم مالیات‌ها تا حدودی توانستند که از ثروتمند شدن یک عده‌ای که از اول سرمایه فراوانی داشتند جلوگیری کنند و مالیات‌ها یک نقش تعدیل‌کننده ثروت در جامعه را بازی کرده‌اند. به لحاظ فرهنگی مالیات‌ها می‌توانند به مردم

بیموزند اگر هر گروه، یا هر محله بتوانند در طی زمان خاصی مقداری پول اضافی از درآمدشان روی هم بگذارند می‌توانند کارهای بزرگی را در جهت بالا بردن سطح زندگی آن گروه یا محله انجام دهند. ضرورت و بایسته است که قانون مالیات‌ها با توجه به اینکه مودیان مالیاتی هر از گاهی به روش‌های نوینی برای شانه خالی کردن از بار مالیات به کار می‌گیرند به روز رسانی شود کما اینکه در دوره‌های مختلف تاریخی این قوانین تغییر یافته است.

قانون مالیات‌ها و فرار مالیاتی از زمان مشروطه، پهلوی اول و دوم، و جمهوری اسلامی، هر چند سال یک بار اصلاح شده است. طبیعتاً در سال‌های آینده نیز به همین منوال ادامه خواهد داد. در چند سال اخیر مشاغل خدماتی و شرکت‌های نوپا یا استارت آپ^۱ شروع به کار کرده‌اند، در قانون مالیاتی کشور به مالیات این شرکت‌ها توجهی نشده است که به نظر می‌رسد از نخستین دلایل اصلاح مجدد قانون مالیاتی همین شرکت‌های نوپا خواهند بود. از سوی دیگر اقتصاد ما راهی جز اداره کردن خود با مالیات ندارد. ما نمی‌توانیم هر روز منتظر برداشته شدن تحریم و فروش نفت کنیم. تنها راه کنار گذاشتن نفت از بودجه کشور توجه به مالیات و بستن گلوگاه‌های فرار مالیاتی در کشور خواهد بود. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیتی که دولت به بحث مالیات دارد در سال‌های آینده ما شاهد تغییرات و اصلاحات در قانون مالیاتی باشیم.

بحث و نتیجه گیری

گسترش تعهدهای دولت در عرصه‌ی اقتصادی، اجتماعی و تلاش برای تحقق اهدافی همچون رشد اقتصادی، ثبات قیمت‌ها، افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد، هزینه‌های دولت را با روند صعودی مواجه می‌نماید تامین مالی چنین هزینه‌هایی نیازمند منابع درآمدی کافی است. مالیات یکی از منابع درآمد دولت و تکیه گاهی مطمئن برای دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بعضاً سیاسی است و اثر بخشی آن هنگامی محسوس تر است که سهم بیشتری از هزینه‌های دولت را تامین کند معمولاً مالیات از دارایی و درآمد افراد جامعه اخذ می‌شود از این رو دولت‌ها برای این منظور در اقصی نقاط جهان به تهیه و تدوین قانون مالیات‌ها همت می‌گمارند و در کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و طی صد سال اخیر قانون مالیات‌ها چندین بار دستخوش تغییرات و اصلاحات جزئی و کلی قرار گرفته است معمولاً این تغییرات و اصلاحات به موازات تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشور صورت گرفته است. پس از نفت، مالیات رده دوم درآمد دولت ایران را تشکیل می‌دهد با توجه به قیمت‌های جهانی نفت و نقش آن در تامین هزینه‌های دولت، درصد مالیات در وضعیت هزینه‌های دولت در سال‌های مختلف بین ۳۰ تا ۴۵ درصد در نوسان بوده است. به طور کلی در وضعیت فعلی، سیستم مالیاتی کشور به لحاظ وجود برخی عوامل برون سازمانی و درون سازمانی از کارایی لازم برخوردار نیست. از مهم ترین آن‌ها می‌توان به معافیت‌های گسترده، اقتصاد زیر زمینی و اقتصاد دولتی

اشاره کرد. براساس آمار و مطالعات انجام شده نزدیک به ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی از پرداخت مالیات معاف است، در نتیجه فشار مالیاتی بر ۵۰ درصد بقیه جامعه وارد می‌شود. مناسب‌ترین وسایل برای تامین موفقیت سازمان مالیاتی کشورها علاوه بر انسجام دستگاه مالیاتی به مفهوم اجرای درست قانون و ضوابط، افزایش انگیزه‌های درونی و جلب همکاری و همفکری مودیان است. این امر می‌تواند آنان را مجاب سازد که تمکین از مالیات را روشی منطقی در افزایش منافع اقتصادی و برخوردار از مواهب اجتماعی بدانند.

پیشنهادها

- اصلاح ساختار نظام مالیاتی مالیاتی: به نظر می‌رسد یکی از دلایل محصل نشدن درآمدهای مالیاتی ساختار نامناسب نظام مالیاتی کشور می‌باشد.
- بستن گلوگاه‌های اصلی و بزرگ فرار مالیاتی.
- اصلاح قوانین: قوانین عجیب و غریب مالیاتی که تنها در کشور ما باب شده اند باید اصلاح شوند.
- حقوق‌ها و مزایای پایین را از معافیت برخوردار کنند.
- شکل گیری دادگاه‌های مبارزه با فرار مالیاتی و برخورد سفت و سخت با کسانی که فرار مالیاتی دارند.
- اعتماد مردم به نظام مالیاتی را بالا برند. با مشخص شدن این که مالیات‌های مردم در کجاها خرج می‌شود اعتماد مردم را به دست آورند.
- از بین بردن معافیت‌های نهادهای خاص از پرداخت مالیات.
- برای کمک به شرکت‌های تازه تاسیس معافیت‌های مالیاتی را در نظر گیرند.
- تشویق و معرفی افراد، نهادها و سازمان‌هایی که در زمان‌های مقرر به پرداخت مالیات خود اقدام می‌کنند.

منابع

- احمدی، علی اکبر؛ فیض آبادی، حوریه (۱۳۹۰). بررسی ارتقای سرمایه اجتماعی بر بهبود عملکرد سازمان (نمونه موردی سازمان‌های ستادی شهرداری تهران). فصلنامه مدیریت دولتی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۶، صص ۳۵-۵۴.
- افشاپور، عاطفه، کارشناسان، علی (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین فرار مالیاتی، فقر و بیکاری در استان خوزستان، فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، سال دوم، شماره سه، صص ۷۳-۸۷.
- آقا نظری، حسن (۱۳۸۹). ناهنجاری فرهنگی اقتصادی درآمد مالیاتی کشور و راه حل‌ها با رویکرد آموزه‌های اسلامی، فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره اول، صص ۹۵-۱۰۸.
- بخشی، لطفعلی (۱۳۸۹). آشنایی با مالیه عمومی، تهران، انتشارات اقتصاد فردا.
- بهشتی، یعقوب؛ رویایی، رضانعلی (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین فلسفه اخلاق فردی و نگرش فرار مالیاتی، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال دوم، شماره چهارم، صص ۲۴۷-۲۷۵.
- پوتنام، رابرت (۱۳۷۷). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمد تقی دلفروز، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- خاندانی، حسین؛ سامتی، مجید (۱۳۹۶). برآورد سهم وقفه‌های جمع آوری و فرار مالیاتی در ایجاد شکاف مالیاتی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره هشتاد و چهار، صص ۶۵-۹۷.
- دامن کشیده، مرجان، اصغری، احمد (۱۳۹۸). بررسی تاثیر فرار مالیاتی بر متغیرهای کلان اقتصادی و راهکارهای کاهش فرار مالیاتی در اقتصاد ایران (با تاکید بر تاثیر فرار مالیاتی بر رشد اقتصادی ایران)، مجله اقتصادی، شماره‌های ۳ و ۴، صص ۱۱۳-۹۷.
- رابینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین (۱۳۹۳). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت اله صدیق سروستانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رضا قلی زاده، مهدیه؛ آقایی، مجید؛ عالمی، امیرحسین (۱۳۹۷). تحلیل فرار مالیاتی در ایران به روش شاخص چندگانه- علل چندگانه (MIMIC)، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۶، شماره ۹۷، صص ۱۹۲-۲۲۶.
- رضایی سیابیدی، محمد (۱۳۹۶). راه‌های مقابله و جلوگیری از فرار مالیاتی، فصلنامه علمی حقوقی قانون یار، دوره‌ی چهارم، صص ۱۴۵-۱۵۹.
- سید نورانی، سید محمدرضا (۱۳۸۸). فرار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- سیدمن، استیون (۱۳۹۶). کشاکش آرا در جامعه شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، انتشارات نشر نی.
- شاپوریان، عنایت الله (۱۳۵۰). بیست و پنج سده مالیات، تهران، انتشارات وزارت دارایی.
- صبوری دیلمی، محمد حسن؛ شفیعی، سعیده (۱۳۸۸). ترکیب مالیاتی و اهداف مالیاتی در برنامه توسعه، مجموعه مقالات دومین همایش سیاست های مالی و مالیاتی ایران، صص ۷۸۵-۸۰۳.
- ضیایی بیگدلی، محمد تقی؛ طهماسبی بلداجی، فرهاد (۱۳۸۳). مالیات بر ارزش افزوده مالیاتی مدرن، تهران، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی.
- عزیزخانی، فاطمه؛ افشاری، غلامرضا (۱۳۸۴). فرار مالیاتی و تاثیر آن بر تولید ناخالص داخلی و توزیع درآمد، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۲، شماره ۴۹-۵۰، صص ۳۹۵-۴۲۲.
- عماد زاده، کاظم؛ مسبب زاده، چنگیز (۱۳۹۱). فرار مالیاتی، زمینه پیدایش و راهکارهای جلوگیری از آن، فصلنامه داری، شماره ۹۲، صص ۱۲-۱۸.
- لاری دشت بیاض، محمود؛ قائم مقامی، کامران؛ کهرمی، قاسم (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در استان خراسان جنوبی، با تاکید بر مولفه های فرهنگی، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال اول، شماره اول، صص ۱۳۹-۱۶۴.
- لیوئیس، کوزر (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- محبوبی، قربانعلی؛ شهبازی، نجفی (۱۳۹۰). فرهنگ مالیاتی در ایران، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۵۵ و ۵۶، صص ۵۵-۶۶.
- مدرکیان، حسن؛ کرباسی یزدی، حسین؛ احمدپور، امین (۱۳۸۸). علل علی الراس شدن درآمد مشمول مالیات شرکت های پیمان کاری، مجموعه مقالات دومین همایش سیاست های مالی و مالیاتی ایران، صص ۷۱۱-۷۲۳.
- موسوی جهرمی، یگانه؛ طهماسبی بلداجی، فرهاد؛ خاکی، نرگس (۱۳۸۸). راهکارهای پیشگیری از فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده، مجله مطالعات ملی، شماره چهارم، صص ۱-۲۴.
- نظری، علیرضا (۱۳۹۰). لزوم ساماندهی معافیت های مالیاتی - مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست اقتصادی، شماره ۱۱، صص ۱۳۹-۱۴۲.
- نمازی، محمد، اسماعیل پور، حسن (۱۳۹۹). تاثیر استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) بر فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید بهنر کرمان، مجله دانش حسابداری، دوره یازدهم، شماره ۱، صص ۱-۳۳.

- هشی، عباس(۱۳۸۸). بررسی تحلیل قیمت گذاری انتقالات بر درآمد مالیاتی دولت‌ها توین مقررات قانونی در جلوگیری از آن در کشورهای جهان طی سه دهه اخیر ضرورت وجود چنین مقرراتی در ایران، مجموعه مقالات دومین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی در ایران، صص ۵۵۰-۵۶۲.
- Bruno, Ch , Elisabetta, M , Schneider , f (2013), Tax Rates and Tax Evasion an Empirical Analysis of the Long-run Aspects in Itaiy , Eur J Law Econ, No. 35, pp.273-293.
- Kafkalas, S, Kalaitzidakis , P. and V , veTazoulekas(2014) Tax Evasion and Public Expenditures on Tax Revenue Services in an Endogenous Griwth Model European Economic Review, No. 70, pp. 438-453.
- Kanthi, H., Melvin, A. (2017). The impact of IFRS adoption on corporate income taxation: A review of literature. International Journal of Business Management and Commerce, 2(1), 1-9.
- Kiryanto, A., Lestari, B. (2018). The impact of international financial reporting standards (ifrs) against tax avoidance: Case study in Indonesia. Working Paper, Universitas Islam Sultan Agung Semarang.
- Levin J, and L.M. Widell(2014) , Tax Evasion in Kenya and Tanzania: Evidence from Missing Imports Economic Modelling, No. 39, pp .151-162.

